

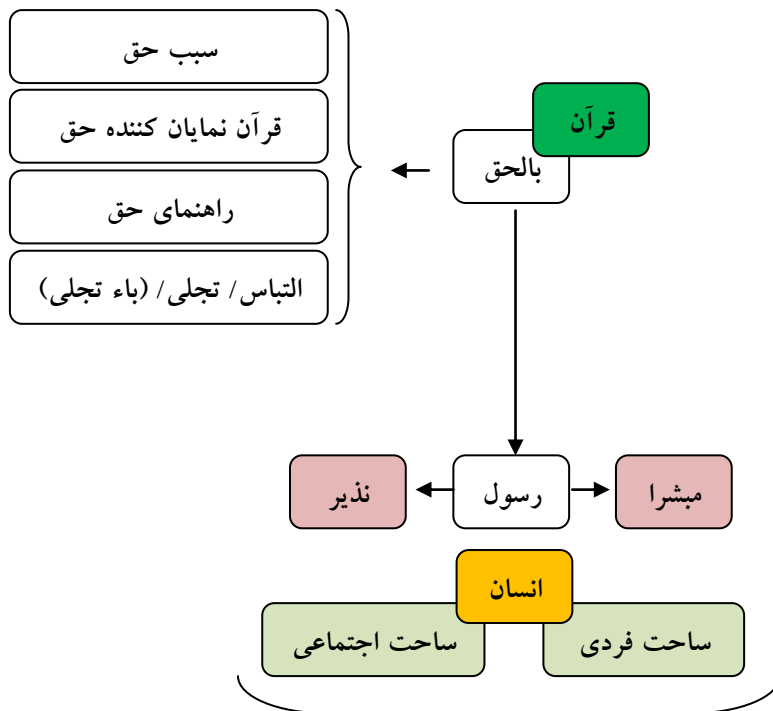


سوره مبارکه اسراء

جلسه پانزدهم: ۹۲/۵/۵

آیات ۱۰۵ تا آخر:

- در سوره مبارکه اسراء مباحث مختلفی از جمله قرائت مطرح شد.
- بیان شد که قرائت مخصوص انسان است و مربوط به سیر صعودی اوست که در قرآن به آن «صیوریت» گویند.
- در این سوره بحث «قرآن» نیز مطرح شده است. قرآن از قرائت گرفته شده است.
- قرآن مصدری است به معنای مجموعه متن‌های قرائت شدنی.
- یعنی وقتی انسان می‌خواهد سیر و سلوک طی کند علم ارتقاء و پیشرفت به او می‌دهد.
- اگر قرآن برداشته شود انسان نمی‌تواند بالا برود و آنچه برای انسان در نظر گرفته شده است اصلاً اتفاق نمی‌افتد.
- قرآن کتابی نیست که بخوانیم و فقط ثواب ببریم بلکه ساختاری است که همه حیثیت انسان و صعودش به آن وابسته است.
- همه پیشرفت و تکامل و بلوغ انسان وابسته به قرآن است.
- آیات آخر این سوره حکم جمع‌بندی دارد.
- آیه ۱۰۵:
- اگر انسان را با دو ساحت فردی و اجتماعی با ظرفی مشخص در نظر بگیریم، اولین بحث در آیات آخر، درباره نزول قرآن و به حق بودن نزول آن است.
- منظور از «بالحق» در قرآن، یعنی حق باعث شد نزول پیدا کند. (باء آن سببیت است). به عبارتی دیگر به سبب حق نازل شد.
- می‌توان گفت: قرآن التباس حق است یعنی تمام وجود قرآن از حق است. یا قرآن تجلی حق است.
- نکته اول:
- ✓ پس قرآن «نمایان کننده حق» است و اگر کسی می‌خواهد حق را ببیند، قرآن بخواند.
- ✓ پس قرآن «راهنمای حق» است و اگر کسی می‌خواهد به حق دست پیدا کند، قرآن بخواند.
- نکته دوم:
- قرآن رسولی دارد که مانند خورشید است و قرآن در او استقرار پیدا می‌کند و دو حیثیت به او می‌دهد:
 - ۱- او را مبشر می‌کند.
 - ۲- او را مُنذر می‌کند.
- کار نذیر ایجاد انگیزش و حرکت و رشد است. تنبه ایجاد می‌کند.
- وقتی تنبه ایجاد شد و فرد رشد کرد، مبشر می‌شود یعنی بشارت ایجاد می‌کند. بشارت یعنی فرد را شکوفا می‌کند.
- بنابراین کار قرآن آماده سازی برای شکوفایی است. یعنی قرآن به دست رسول آماده کننده برای شکوفایی است.



- آیه ۱۰۶:

- قرآن وارد صحنه زندگی فردی و اجتماعی افراد شده، «فرق» ایجاد می کند.

- ایجاد فرق یعنی بین خوبی و بدی تمایز و تشخیص ایجاد می کند.

- یکی از اسامی کتابهای آسمانی فاروق است.

- لَتَقْرَأَهُ عَلَي النَّاسِ: انسان با تشخیصی (فرق) که می دهد سیستم قرائتش فعال شده، به سمت خدا بالا می رود.

- این سیر صعود تدریجی است (علی مُکث) در حالی که نزول، به صورت دفعی اتفاق می افتد. تدریجی بودن صعود به خاطر وجود انسان است.

- بنابراین قرائت حتماً باید بر اساس تدریج باشد.

- آیه ۱۰۷:

- برای انسان دو امکان فراهم می شود: ۱- ایمان آوردن ۲- ایمان نیاوردن.

- ایمان داشتن به این معناست که او تمام مراحل زندگی اش منتظر است تا آیه ای دریافت کند و بالا برود.

- مؤمن قرآن، اینگونه است که به کتاب خدا و رسول اعتماد می کند و سیر پیشرفتش را بر اساس قرآن مشخص می کند.

- اگر از ما سؤال کنند چه سوره ای را حفظ هستید، نمی توانیم پاسخی بدهیم زیرا هیچ سوره ای در درون ما جاری نشده است.

- با خواندن هر آیه از قرآن تنبه و رشد در ما ایجاد نمی شود. زیرا ما به این ساختار اعتماد نمی کنیم.

- آیه ۱۰۷ می خواهد بگوید انسان ها دو دسته هستند عده ای به این ساختار اعتماد می کنند و خودشان را در این مجرا قرار می دهند و عده ای اعتماد نمی کنند.

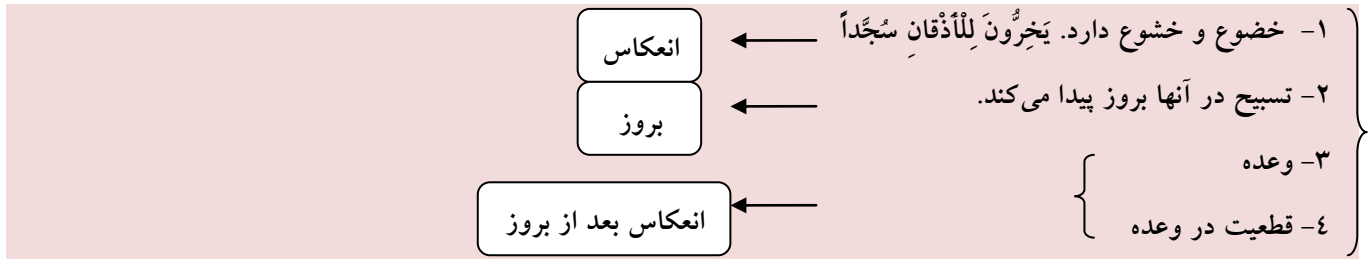
- بین افرادی که به این ساختار اعتماد می کنند عده ای هستند به نام «اوتوالعلم» و این بدان معناست که تا انسان به علم نرسد ایمان در او جاری نمی شود.

- ظرف وجودی «اوتوالعلم» زنده است. آنها حیات دارند وقتی آیه نزول پیدا می کند در آنها حیات ایجاد می کند.

- «اوتوالعلم» نشانه دارند و نشانه‌اشان این است که وقتی آیه‌ای را می‌شنوند از خودشان واکنش مثبت نشان می‌دهند (يَخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا).

- حالت «اوتوالعلم» را به عنوان استانداردسازی در این آیه بیان کرده است.

- به «اوتوالعلم» مؤمن گفته می‌شود که با شنیدن آیات انعکاس نشان می‌دهند: (انعکاس رفتاری)

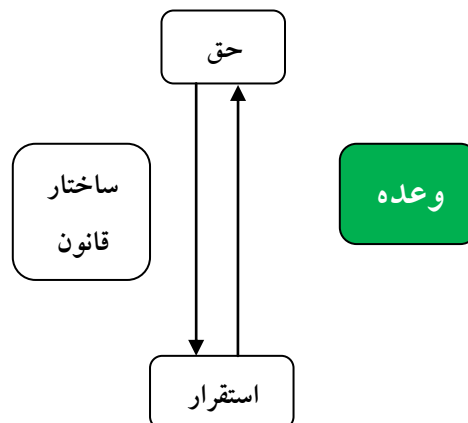


- انعکاس یعنی حال و تأثیر و تأثر در فرد.

- آیه ۱۰۸:

- «اوتوالعلم» هر آیه‌ای که می‌خوانند از آن وعده می‌فهمند و سپس قطعیت در وعده را می‌فهمند.

- وعده به این معناست که ساختار دارد، از جایی نازل شده و در جایی استقرار پیدا می‌کند و در محلی وقوف اصلی دارد یعنی به جای اصلی خود برمی‌گردد.



- سیستم وعده مانند یک طناب (حَبْل) است که پایین می‌افتد تا بالا ببرد. (عروة الوثقی است)

- وعده ساختاری است که «از» و «تا» دارد.

- مثال: وعده در «بسم الله الرحمن الرحيم» یعنی اینکه خدا بسم الله الرحمن الرحيم را نازل کرد تا فرد با گفتن آن همه کارهایش به سمت حق جهت‌دار شود.

- آیه ۱۱۰:

- همه انسان‌ها بدون استثناء برای رجوعشان به خدا، طلب (دعا) احتیاج دارند.

- همه انسان‌ها سیستم طلبشان وابسته به «اسماء الحسنی» است.

- اسماء الحسنی یعنی تجلی حق. وقتی حق نازل می‌شود با یک صفت و ویژگی نازل می‌شود که به آن اسماء الحسنی گویند.

- وقتی دعای جوشن کبیر می‌خوانیم، تمامی هزار اسم، جلوه‌های مختلف یک حقیقت است که بستگی به نیازهای ما دارد.

- چون نیازها و طلب ما متعدد است، احتیاج به اسماء پیدا می‌کنیم.

- وقتی دعا و طلب به علاوه اسماء الحسنی می شود به آن «صلوة» گویند.

- در نماز از همان ابتدا که وضو می گیریم طلب می کنیم سنخیت داشتن حقیقت را. تمام جزئیات نماز و اذکار آن نیز طلب به علاوه اسماء الحسنی است.

- نوع طلب و نوع اسم، «رکن» را در نماز می سازد.

- نوع طلب و نوع اسم، «واجبات» را در نماز می سازد.

- نوع طلب و نوع اسم، «مستحبات» را در نماز می سازد.

- در «طلب» نگاهمان به خودمان است. مانند استغفار، استعاذه و ...

- در «اسم» توجهمان به خدا است. مانند حمد و تسبیح و ...

- آیه ۱۱۱:

- حمد می کنم خدایی را که سه خصوصیت ندارد: (بنابراین در آیه ۱۱۱ حمد همراه تسبیح است)

(۱) ولد ندارد

(۲) شریک ندارد

(۴) ولی ندارد

- دو نوع حمد داریم:

۱- حمد همراه با تسبیح

۲- تسبیح همراه با حمد

- تسبیح به معنای این است که انسان خدا را از هر نقص و عیبی و هر آنچه که شائبه نیاز دارد، منزّه می دارد. مانند: **لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَّلِيٌّ**، زیرا داشتن ولد و شریک و ولی، نقص است.

تسبیح: خدا را از هر شائبه نیازی منزّه می دارد.

- وقتی تسبیح با حمد همراه شود یعنی ابتدا خدا را از هر شائبه نیازی منزّه می دارد و سپس به صفات و اسماء نظر می کنیم.

حمد: هر صفت کمال را به او نسبت می دهد.

- وقتی حمد با تسبیح همراه شود یعنی هر صفت کمال را به او نسبت می دهد ولی از منظر تسبیح. یعنی خدا را حمد می کند ولی خدایی را که چنین نیست. یعنی از نظر انسان کامل خدا را اصلاً در وجهی غیر از تسبیح نمی توان شناخت. در این نوع حمد، اذعان و اعتراف و اقرار وجود دارد به شناخت خدا منحصرماً از طریق تسبیح.

- برای ارزیابی قرائت در وجودمان باید به وسیله موارد زیر ارزیابی کرد:

(معیارهای سنجش)

۱- با او تو العلم

۲- با میزان تسبیح در زندگی

۳- با میزان حمد در زندگی

۴- میزان تسبیح با حمد در زندگی

۵- میزان حمد با تسبیح در زندگی

یا رسول الله دست ما را بهم بگیر

اللهم صل على محمد وآل محمد واحمد الله رب العالمين